

# سخن آغاز

# گرامی داشت

## یکصدمین سال

### مشروطه



سید محمد تقی خاوری

در چهاردهم مردادماه ۱۳۸۴ خورشیدی، مشروطه در ایران وارد یکصدمین سال خود می شود با پیدایش جنبش مشروطه و ویژگی سیاسی یگانه‌ای در تاریخ میهن ما پدیدار شد که در تاریخ کهن ما هیچ پیشینه‌ای نداشت. در دوران پیشین، جنبش‌ها و قیام‌های گوناگون ایرانیان، نوع و روش حکومت را مورد تهدید قرار نمی دادند، بلکه آنچه تغییر می کرد خاندان و یا شخص حاکم بود.

و هر کس با هر عقیده‌ای که حاکم می شد خود را نماینده و سایه خدا بر زمین می دانست و حکومت خود و خاندان خود را ناشی از خواست خداوند می دانست و مردم به غیر اطاعت از آنان راهی نداشتند.

با جنبش مشروطه صورت و روش حکومت مورد تهدید قرار گرفت و راهکاری نوین در ارائه سازمان دولت و حکومت در ایران بوجود آمد. از این رو مشروطیت به عنوان گسستی در تاریخ ایران به شمار می آید. چرا گسست به حساب می آید. چون در ادامه حیات خود با وقفه روبرو شده است و نتوانسته به اهداف خود به دلیل رخنه بیگانگان نایل شود.

اما شرایط جامعه ایرانی چگونه بود و نخبگان از چه طریقی موفق به حرکت مردم شدند برای

پاسخ به این پرسش باید به مطالعه یکی از اثر گذارترین نوشتارهای پرداخت که جامعه ایرانی را در آن زمان به ذهن می آورد.

این اثر بزرگ کتاب سیاحت نامه ابراهیم بیگ می باشد که بوسیله زین العابدین مراغه‌ای نوشته شده است.

حاجی زین العابدین مراغه‌ای، مولف سیاحت نامه ابراهیم بیگ، بازرگان زاده‌ای ایرانی بود که در شهر مراغه دیده به جهان گشود. دروس مقدماتی را در مکتب خانه‌ای در مراغه فرا گرفت و چون شانزده ساله شد، به کار کسب و تجارت روی آورد. سپس به قفقاز رفت و مدتی را در گرجستان به سر آورد و سپس سر از کریمه در آورد و در یالتا به تجارت پرداخت پس از پانزده سال به استانبول آمد و به حج رفت و سرانجام نیز باقی عمر را در آن شهر سپری نمود.

مراغه‌ای سیاحت نامه را ابتدا در یک جلد

با جنبش مشروطه صورت و روش حکومت مورد تهدید قرار گرفت و راهکاری نوین در ارائه سازمان دولت و حکومت در ایران بوجود آمد. از این رو مشروطیت به عنوان گسستی در تاریخ ایران به شمار می آید. چرا گسست به حساب می آید. چون در ادامه حیات خود با وقفه روبرو شده است و نتوانسته به اهداف خود به دلیل رخنه بیگانگان نایل شود.

نوشت و سپس دو جلد دیگر به آن افزود و این کتاب در جریان جنبش مشروطه خواهی اثر شگرف بخشید. نخستین بار این مجموعه به سال ۱۳۱۳ قمری در قاهره به چاپ رسید.

حاجی زین العابدین در سیاحت نامه خود مسافری به نام ابراهیم بیگ را به تصویر می کشد، که بنا به وصیت پدر برای دیدار از وطن آباء و اجدادی زحمت سفر از مصر به ایران را می کشد و نقد خود را از وضعیت موجود ایران، بر پایه‌ی مشاهدات ابراهیم بیگ سامان می دهد. تصویر به غایت تاریک و نازیبا می باشد. اندیشه‌های انتقادی او شامل دو بخش است یکی "نقد جامعه" و دیگری "نقد قدرت سیاسی" در میان نویسندگان دوران مشروطیت، شاید این ویژگی یگانه سیاحت نامه ابراهیم بیگ باشد که هم به نقد جامعه می پردازد و هم به نقد قدرت سیاسی.

سیاحت نامه ابراهیم بیگ، آینه تمام نمای دولت و جامعه ایران در اواخر عهد ناصر و دوران مظفری است. تصویری شفاف از وضعیت موجود که "همه روزه بی کم و زیاد همه کس به چشم خودشان توانند دید" وضعیتی که از نظاره آن دشمنان ایران شاد و نام بلند ملت ایران به تمسخر یاد می گردد. سیاحت نامه ابراهیم بیگ اگر چه در قالب رمان تهیه و تدوین شده است. حقیقتاً مانیفست یا بیانیه‌ای انتقادی علیه وضع موجود و بشارت دهنده فردایی بهتر در افق مشروطه است در این بیانیه نشان می دهد که رژیم موجود بدمنش و در واقع سیاحت نامه ابراهیم بیگ به دو موضوع اساسی می پردازد. یکی "نقد وضع موجود" و دیگری "بر ساختن تصویری رویایی (از جامعه و نظام سیاسی مدرن) این خصوصیت

همانند همه متون بیانیه به وضوح در سطر سطر کتاب مراغه ای دیده می شود.

و در جایی دیگری که به نقد سیاسی می پردازد نیز وجهه نظرش به سوی تمدن جدید اروپایی است. از نظر او "ارز و در" ام روی زمین بدبخت تر از ایرانی ملتی نیست. حتی در میان زنگیان سودان و حبش نیز حساسی هست و تا یک درجه دارای حقوق بشر هستند و روز به روز میلشان به سوی ترقی است. و مراغه ای از ایرانیان به عنوان مشتی "بیچارگان" یاد می کند که "زنجیر اسارت" آنان هر روز سخت تر و "دایره حقوق بشریه" شان لحظه به لحظه و بیش از پیش تنگ تر می شود. حکومتگران به جز چاپیدن کشور و خیانت کردن به دولت و ملت از سایر اوضاع زمان به هیچ چیز آگاهی ندارند.

مشروطه خواهی را می توان "تهضت ملی" ایرانیان به شمار آورد. که در جستجوی ایجاد تحول بزرگی در کشور بودند. پشتازان این حرکت تاریخی با درایت خاصی و با در نظر گرفتن شرایط درون جامعه "آمادگی دربار و شخص شاه برای اصلاحات ساختاری" و بیرون جامعه یعنی اوضاع جهانی "با پیروزی ژاپن بر روسیه و انقلاب ناکام ۱۹۰۵ روسیه که این دو رخداد پایه حکومت تزارها که بزرگترین حامی استبداد در ایران بودند؛ لرزاننده بود" در رسیدن به هدف، انسجام و کارایی لازم را نشان دادند. نخبگان جامعه از موقعیت مناسبی که به دست آورده بودند نهایت بهره برداری را نمودند، علی رغم نیرنگ های استبداد و ارتجاع که به راههای گوناگون مانع رسیدن به هدف آنان می شدند. موفق شدند که مظفرالدین شاه را ترغیب به تاسیس عدالت خانه نمایند. این پیروزی باعث جنب و جوش بیشتری می شد و سرانجام در چهاردهم مردادماه ۱۲۸۵ مظفرالدین شاه فرمان تاسیس مشروطیت را صادر کرد و از هفدهم همان ماه فرمان تشکیل مجلس شورای ملی با داشتن اختیار تدوین قانون اساسی را صادر نمود.

مجلس اول با اقدامی برجسته ای از جمله تصویب قانون اساسی و متمم آن و نظام نامه های داخلی گامهای بزرگی در جهت پیشرفت آزادی و دفع خودکامگی برداشت که قابل تقدیر است. بدینگونه ایران به عنوان نخستین کشور آسیایی، آفریقایی بود که صاحب قانون اساسی می شد و در اعداد کشورهای مشروطه جهان به شمار آمد. این رویداد را نباید کوچک شمرد چون پس از آن، رعایا و بندگان و جیره خواران سلطان تبدیل به ملت ایران و صاحبان اصلی کشور شدند که

**جنبش مشروطه خواهی با پاکدلی  
آغازیدن گرفت، به موفقیت های  
بزرگی نایل شد مشروطه در ایران  
بر سر آمد در در مدت های کم و  
جهان قرار گرفت.**

این کاری بود بزرگ و قابل تحسین در آن دوران. جنبش مشروطه خواهی با پاکدلی آغازیدن گرفت به موفقیت های بزرگی نایل شد مشروطه در ایران بوجود آمد و در عدد ملت های متمدن جهان قرار گرفت، ولی با ناپاکدلی های و دست های کثیفی که از درون و بیرون به میان آمدند، آن را بر هم زده و پایانی غم انگیز برای ایرانیان تهیه دیدند. مظفرالدین شاه با امضا فرمان مشروطیت نامی نیک از خود به یادگار گذاشت. اما بامرگ او و اختلاف نظر بین محمدعلی شاه و مجلس اول بدبختی های ملت ایران بوسیله بیگانگان بوجود آمد. مجلس اول بوسیله نیروهای محمدعلی شاه و حمایت روسیه تزاری گلوله باران شد و دوران استبداد کوچک بر میهن ما سایه انداخت.

اما نخبگانی که مشروطه را به سامان رسانده بودند ساکت نشستند. مردم تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان از دستاوردهای مشروطه دفاع نمودند و بختیاری ها به رهبری نجف قلی خان صمصام السلطنه و علیقلی خان سردار اسعد و گیلانی های با کمک سپهدار تنکابنی به حرکت در آمدند. و تهران به دست مشروطه خواهان افتاد. محمدعلی شاه به سفارت روسیه در زرگنده فرار نمود و چند روز پس از آن روانه روسیه شد.

مجلس دوم مشروطه هم با اولتیماتم روس و انگلیس و ماجرای مورگان شوشتر تعطیل شد. در زمان مجلس سوم هم جنگ جهانگیر اول در گرفت و ماجرای مهاجرت اتفاق افتاد.

در تمامی این رخدادها متوجه می شویم که دشمن آزادی در ایران بیگانگان هستند زمانی که نخبگان ایرانی قرارداد ۱۹۱۹ را تأیید نکردند و روسیه تزاری واژگون شده بود و انگلیسی ها، به هدف خود از طریق قرارداد ۱۹۱۹ نایل نشده بودند و از نبود حریف روسی استفاده نمود و کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ را پی ریزی نمودند و در حرکتی آرام تمامی دستاوردهای مشروطه را بوسیله رضاشاه از بین بردند. دوباره ملت ایران تبدیل به رعایای رضاشاه شدند. و همان شیوه

کهن حکومت بوجود آمد. جنگ دوم جهانی باعث شد که ایران بوسیله انگلستان و روسیه تصرف شود. جنگ و حضور بیگانگان در کشور آسیب های زیادی به مردم ایران وارد نمود و تنها یک بهره برای مردم داشت و آنهم بدلیل رقابت قدرتهای خارجی دوباره آزادی و مشروطیت برقرار کردید.

نخبگان ایرانی از فرصت به دست آمده نهایت بهره برداری را نمودند نخست نفت شمال را با بودن نیروهای شوروی و حمایت انگلستان به روس ها ندادند. لشکریان استالین را تنها، ایرانیان بودند که از کشورشان بیرون ریختند. و با نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق، نفت را در سراسر ایران، ملی نمودند. با این پیشرفتهای بزرگی که نخبگان ایرانی نصیب کشور نمودند باعث شد که دشمنان ایران دوباره با کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بوسیله انگلستان و آمریکا و حمایت شوروی

**با این پیشینه باید گفت ایران که در  
یک صدمین سال از نخستین تجربه  
استقرار آزادی قرار دارد، توانسته  
است همیشه از فرصت های جهانی به  
نفع منافع ملی خود بهره برداری  
نماید، شایستگی حکومتی مردم  
سالار را دارا می باشد.**

انجام گرفت آزادی و مشروطه از بین برده و بساط حکومت استبدادی را برقرار نمایند.

با این پیشینه باید گفت ایران که در یک صدمین سال از نخستین تجربه استقرار آزادی قرار دارد، توانسته است همیشه از فرصت های جهانی به نفع منافع ملی خود بهره برداری نماید. شایستگی حکومتی مردم سالار را دارا می باشد. و دریغ آن را از چنین مردمی خیانت و جنایت به این مردم می باشد. پس بر ماست که یاد بزرگ مردانی که صدسال پیش در راه مشروطه گام برداشتند را گرامی بداریم و به وجود چنین پیشینه ای بزرگ افتخار بورزیم. امروزه هم نخبگان ایران در راه بدست آوردن آزادی و حقوق بشر و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند، که نمونه آنها در چهره هایی چون عباس امیرانتظام، اکبر گنجی و دیگران می بینیم. آزادی و حقوق بشر هدف ماست و این هدف با بودن چنین پشتوانه های مردمی چندان دور از دسترس نمی باشد.